

## تعالیم اخلاقی - اجتماعی

محمد

و

قرآن

اسلام ، یک دین سامی است و بر خلاف ادیان آریائی (زرتشتی و بودائی ) دینی است که قهر و خشونت و جنگ طلبی ، لازمه استقرار و گسترش آنست . اینکه بعضی از محققان تاریخ اسلام ، حضرت محمد را یک "پیغمبر مسلح" نامیده اند ناظر بر این واقعیت تاریخی است . 1  
اینکه قرآن موجود تا چه اندازه کامل و واقعی است نمی توان نظر قطعی داد ، اما می دانیم که عثمان ( سومین خلیفه مسلمین ) قرآن را جمع آوری و مرتب کرد و سوره های بلند را با سوره های بلند و سوره های کوتاه را با سوره های کوتاه تنظیم نمود و طی حکمی به نواحی مختلف نوشت تا تمام نسخه های موجود قرآن را جمع آوری کردند و سپس آنها را در آب گرم و سرکه جوشانید و به روایت دیگر ، آنها را سوزانید جز قرآن عبدالله بن مسعود را ... 2  
تبلیغات و تعلیمات دینی محمد بیشتر بر اساس دعوت مردم به اطاعت از خدای یکتا و ترساندن آنها از روز قیامت و عذاب جهنم قرار داشت . بسیاری از آیه های قرآن برآستی " مانیفست ترس و تهدید" است و عده ای از محققین ، بدرستی می نویسند که : مهم ترین عامل حیات مذهبی مسلمانان قرن اول هجری ، ترس بود : ترس از خدای منتقم و قهار ، ترس از مرگ ، ترس از حساب روز قیامت ترس از معصیت ، ترس از جهنمی که با وصف " وفودها الناس و الحجاره " دل شیر هم از هیبت آن ، آب میشود . 3  
تصویر خدا در قرآن ، تصویر یک فرمانروای مطلق قبایل دوره پدر سالاری است ، تصویر کسی است که انسان را بدلخواه خود خلق کرده و هر وقت اراده کند ، می تواند او را از بین ببرد ، حتی پیغمبر خود را ؛ 4 سوره الحاقه ، آیه های 44 و 46 . اگر محمد بر ما افترا ببندد ، نیروی او را می گیریم و بند دل او را می بریم ... چنین خدائی ، آدم و حوا را بخاطر عصیان و نافرمانی از دستوراتش از بهشت بیرون میراند 5 و گرنه خوردن یک سیب (یا گندم) خود بخود نمی تواند گناه کبیره ای باشد تا بخاطر آن ، جنان عذاب و عقوبت سختی را بتوان بر انسان تحمیل کرد . چنین خدائی با 44  
اینکه مکر و حيله را کاری باطل و ناپسند می داند ، اما ، خود تاکید می کند که : مکارترین مکاران است 6 .  
( اطاعت و تسلیم ، تقوا و فضیلت واقعی است و عصیان و نافرمانی ، گناه کبیره می باشد . در این دین ، عنصر اساسی ، اسارت انسان در برابر یک قدرت خارجی بنام خدا و انقیاد انسان در مقابل یک استبداد بیرونی است .  
اساساً "یک نظام خداسالار است و انسان ، در تحلیل نهائی ، نقش "بنده" و "عبدالله" را دارد . در این نظام ، هدایت و سعادت بشر ، تنها به خواست و مشیت خدا بستگی دارد 7 . بنظر قرآن ، زندگانی نیک ، همان زندگانی توأم با فضیلت و تقوی نیز یعنی ، ترس و تسلیم محض و اطاعت بره وار در برابر اراده خدا است : ای اهل ایمان! همگی داخل در مقام تسلیم شوید 7 . زیرا که مسلمانان و پرهیزگاران واقعی همان کسانی هستند که در نهان (و آشکار) از خدای خود می ترسند. 8 و برآستی ! " کدام دین میتواند بهتر از دین آنکسی باشد که او در برابر اراده خدا ، سر تسلیم خم کرده است ؟" 9 محمد به توده های مردم توصیه می کرد که : از دنیا چشم بپوشید تا خدا شما را دوست بدارد 10 ، خدا معیشت و کار را تقسیم کرده 11 و خوشبختی و بدبختی هر کس ، قبلاً" تعیین شده است 12 ، ای فقیران ! اگر بدانید که پیش خدا چه ها دارید دوست خواهید داشت که فقر شما بیشتر شود 13 . ای فقیران ! اگر بدانید که ( در آن جهان) برای شما چه ذخیره شده بر آنچه که ندارید غم نخواهید خورد 14 . به بهشت نگاه کردم و دیدم که بیشتر مردم آن ، فقیران هستند 15. در روز قیامت ، فقر پیش خدا زینت است 16. صبر ، خوب است اما برای فقیران خوبتر است 17 .....

- 1 - برای یک بحث تطبیقی در این باره و آگاهی از تفاوت های پیغمبران سامی و آریائی نگاه کنید به : ملاحظاتی در تاریخ ایران ، علی میرفطروس ، ص 59-63 .
- 2 - تاریخ یعقوبی ، ج 2 ، ص 64 . برای آگاهی کلی از چگونگی این تحریف ها و تغییرها در قرآن نگاه کنید به تعلیقات ارزشمند دکتر علینقی منزوی در : درسهایی در باره اسلام ، گلذیهر ، ص 65-69 .
- 3 - تاریخ تصوف در اسلام ، قاسم غنی ، ج 2 ، ص 12 و 18 ، اسلام و تصرف ، نیکلسون ، ص 5
- 4 - سوره الحاقه ، آیه های 44 و 46
- 5 - ... و بخاطر این عصیان (خوردن سیب یا کندم) "آدم و حوا" را از بهشت بیرون کردیم : سوره بقره ، آیه 36
- 6 - سوره القلم ، آیه های 44 و 45 ، سوره انفال ، آیه 30 ، سوره طارق ، آیه های 15 و 16 ، سوره نساء ، آیه 142 ، سوره اعراف ، آیه های 99 ، 182 و 183 و سوره های دیگر . 7 - در قرآن بیش از 57 بار به این امر اُکید شده است . 8 - سوره بقره ، آیه 208
- 9 - سوره انبیاء ، آیه 49
- 10 - سوره نساء ، آیه 125
- 11 - نهج الفصاحه ، حضرت محمد ، ج 1 و 2
- 12 - ایضا" ، ص 505
- 13 - ایضا" ، ص 492
- 14 - ایضا" ، ص 492
- 15 - ایضا" ، ص 492
- 16 - ایضا" ، ص 65
- 17 - ایضا" ، ص 437
- 18 - ایضا" ، ص 425 . ملا احمد نراقی می نویسد : " پیغمبر فرمود که خدا با من تکلم کرد و فرمود : ای محمد ! من هر گاه بنده ای را دوست داشته باشم سه چیز به او عطا میکنم : دل او را محزون میکنم ، بدن او را بیمار می کنم و دست او را از مال دنیا خالی می گردانم .